



این مسئله قصد دارد از مسئولیت اخلاقی و حقوقی کشتن غیرنظامیان بگریزد و حماس را مسئول کشتارها بداند. حتی با فرض صحت ادعاهای «اسرائیل» این میزان کشتار غیرنظامیان و مردم عادی غزه برای رسیدن به یک هدف سیاسی یا نظامی توسط «اسرائیل» غیرقابل توجیه خواهد بود زیرا این میزان جنایت را فقط می‌توان تروریسم نامید.

آنچه نشان دهنده ناهماهنگی این توجیحات ناموجه رسانه‌ای است وجود گفتمان موازی‌ای است که تلاش می‌کند همه فلسطینی‌ها را از دایره انسان بودن خارج کند. بنیامین نتانیا، نخست‌وزیر اسرائیل، رزمندگان حماس و ساکنان غزه را «حیواناتی انسان‌نما» توصیف کرد. مردخای کیدار (پژوهشگر دانشگاه بار ایلان) نیز گفت توصیف فلسطینیان به عنوان «حیواناتی انسان‌نما کاستن از منزلت حیوانات» است و معمر عزرا یاشین گفت: «دشمنان ما حق زندگی ندارند».

این سخنان را باید در کنار اظهاراتی قرار داد که پیش‌تر رئیس‌جمهور رژیم اسرائیل و دیگران در مورد فرقی گذاشتن بین نظامیان و غیرنظامیان بیان کرده بودند. این گفتمان مبنایی نظری برای جایز دانستن ریختن خون همه فلسطینی‌ها فراهم می‌کند. حمایت سیاسی بین‌المللی چه از طریق سفرهای سران آمریکا، انگلیس و فرانسه به اسرائیل و حمایت بی‌قید و شرطشان از اسرائیل علیه غزه و چه با پاره کردن بیانیه کشورهای که نسبت به دست‌اندازی‌ها و تجاوزهای اسرائیل انتقاد کرده

تروریسم دولتی تحقق یافته است که از یک سو به عنوان ابزار جنگی مورد استفاده قرار گرفته و از سوی دیگر هدف سیاسی اش تارومار کردن جنبش‌های مقاومت علیه اشغالگری است. همه اقدامات در حالی است که اسرائیل به عنوان یک رژیم اشغالگر طبق قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌های ژنو موظف است دسترسی غیرنظامیان به کالاهای اساسی را تضمین کرده و به عنوان یکی از طرفین جنگ تحویل کمک‌های بشردوستانه را بدون ایجاد مانع تسهیل نماید. با وجود اینکه قوانین بین‌المللی از ۱۶ سال پیش مجازات دسته‌جمعی غزه را یک جنایت جنگی می‌دانند، اما گفتمان اسرائیلی (سیاسی و رسانه‌ای) تلاش کرد با دو اصل تروریسم خود را توجیه کند:

اول: پیش‌کشیدن این ادعا که غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهد، اما واقعیت‌های میدانی و میزان تلفات در غزه این موضوع را تکذیب می‌کند. تعداد قربانیان در اثر بمباران اسرائیل تاکنون از ۷ هزار شهید و ۱۲ هزار مجروح گذشته که بیشتر آن‌ها کودکان و زنان بوده‌اند. به علاوه که بمباران عمدی و ساختار یافته تأسیسات و بیمارستان‌های غیرنظامی گواه روشنی بر هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان بوده، و فراتر از آن، ارائه خدمات به آن‌ها نیز قطع شده است.

دوم: طرح این ادعا که جنبش حماس از حدود دو میلیون نفر به عنوان پوشش انسانی استفاده کرده است. گفتمان اسرائیلی با طرح

اصلی در مفهوم تروریسم وجود دارد: اول استفاده نظام‌مند از خشونت علیه غیرنظامیان به عنوان یکی از ابزارهای جنگ که از طریق «دشمن» خواندن آن‌ها صورت می‌گیرد؛ دوم استفاده یا تهدید به خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی یا مذهبی. اگر در رفتار رژیم اسرائیل اندکی درنگ کنیم، درمی‌یابیم که هر دو عنصر را به صورت هم‌زمان داراست، به ویژه آنچه در حال حاضر در نوار غزه در حال انجام است. جنگ اسرائیل علیه نوار غزه شامل سه عنصر مهم است که ماهیت تروریسم دولتی را به تصویر می‌کشد. این سه عنصر عبارت‌اند از:

اول: کشتار غیرنظامیان، به ویژه کودکان و زنان، و عدم تمایز بین غیرنظامیان و نظامیان در داخل نوار غزه که چندین مقام کنونی یا سابق «اسرائیل» به صراحت بیان کرده‌اند.

دوم: هدف قرار دادن ساختمان‌های مسکونی و تأسیسات غیرنظامی، از جمله بیمارستان‌هایی که لازم است پیش از بمباران نسبت به تخلیه آن‌ها هشدار داده شود. این همان چیزی است که به عنوان مثال در مورد بمباران بیمارستان معدانی اتفاق افتاد و در پی آن ۵۰۰ نفر اعم از کودکان و زنان و مردان شهید شدند. در این باره از نمونه‌های دیگری نیز می‌توان یاد کرد.

سوم: مجازات دسته‌جمعی و قطع دسترسی به تمامی ضروریات زندگی، از آب و غذا گرفته تا بیمارستان، دارو، برق و غیره. پس ما با یک گفتمان نظری و یک کار عملیاتی روبه‌رو هستیم که در آن مؤلفه‌های

تروریسم دولتی
به رژیم‌های
توتالیتر محدود
نمی‌شود. این امر
توسط کشورهای
دموکراتیک نیز علیه
سایر مردمان انجام
می‌شود، همان‌طور
که زمانی نیروی
هوایی دو دولت
بریتانیا و آمریکا
شهرهای آلمان و
ژاپن را در جنگ
جهانی دوم بمباران
کردند